



حجت‌الاسلام دکتر لکزایی در بیان سیر تاریخی نظریه حکومت اسلامی:

امام خمینی علیه السلام ولایت فقیه را در نظر و عمل به اوج رساند

۱۱



حجاب، انتخاب من است

«ایلهان عمر» نماینده مسلمان کنگره آمریکا را بیشتر بشناسید

۱۶

۱۰ مردم

گفت‌وگو با «یونس موحد سربعی» جوان تبریزی که کویر ارواح ایران را با پای پیاده پیموده است عبور از میانه کویر جنیان

۱۲ ادب و هنر

مهدی نصیری نویسنده و کارگردان تئاتر در گفت‌وگو با قدس: تهران، بودجه تئاتر شهرستان‌ها را می‌بلعد

۱۳ ورزش

شمارش معکوس برای افتتاح بزرگترین تورنمنت آسیایی فوتبال آغاز شد نبرد ملت‌ها در کویر

روایت داغ

#موسوی_سند_تقلبت_کو



چند روز قبل دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت یوم‌الله ۹ دی بیانات منتشر نشده رهبر انقلاب در روز ۳۰ تیرماه ۸۸ درباره فتنه آن سال را برای اولین بار منتشر کرد. با بخش این ویدئو، میرحسین موسوی یکی از رهبران اغتشاشات سال ۸۸ که ادعای تقلب در انتخابات ریاست جمهوری را داشت، خواستار انتشار نوار دیدارش با رهبر انقلاب شد. خیلی طول نکشید که کاربران توییتر در اقدامی هماهنگ موجی به راه انداختند و از سران خواستند که قبل از این‌گونه ادعاها، آن‌ها اول اگر اسنادی مبنی بر تقلب دارند رو کنند تا مورد بررسی قرار بگیرد.

«آقای موسوی، نویسنده کتاب فتنه تقلب که کتابش اسمال حسابی سروصدا کرد و خیلی زود به چاپ سوم رسید، با انتشار توییتر در صفحه توییترش، بخشی از بیانات رهبر انقلاب درباره صحت‌هایشان با موسوی را به اشتراک گذاشت و نوشت:

«آقای موسوی که خواستار انتشار نوار دیدار خود با رهبری است چرا از ۲۴ خرداد ۸۸ تاکنون درباره خبری که همان وقت منتشر شد چیزی نگفته؟ چرا مهندس موسوی به توافق برای پیگیری قانونی ادعایش پایبند نماند؟ ابطال براساس کدام دلیل؟»

آن بخش از بیانات رهبر انقلاب را که در توییتر غفاری آمده است، در ادامه می‌خوانید: «من به آقای مهندس موسوی هم گفته‌ام؛ ایشان هم قبول کرد از من که راه، راه قانونی است؛ از همان طریق قانونی مشی کنند، من هم قرص و محکم پشتش می‌ایستم. شما بدانید من با آقایان شورای نگهبان و آقایان وزارت کشور رودریاستی ندارم؛ می‌ایستم پایش تا اینکه این قضیه حل بشود.»

عبدالله گنجی مدیرعامل روزنامه جوان هم پس از این صحبت‌ها و درخواست میرحسین موسوی از دفتر رهبر انقلاب، یک پیشنهاد ارائه داد و نوشت: «اگر میرحسین محتوای جلسه چهار جانبه‌های، خامی، سیدحسین و خودش را که در آن به جمع بندی تقلب رسیدند به‌علاوه هرگونه سند تقلب دیگر غیر از داماد لرستان و فرزند آذربایجان را منتشر کند، قول می‌دهیم در صفحه اول رسانه‌های جبهه انقلاب منتشر شود!»

حجت‌الله عبدالملکی، از فعالان توییتری و معاون اقتصادی کمیته امداد، در توییترش مسئله تحریرهای بعد از فتنه را پیش کشید: «خسارت اقتصادی فتنه ۸۸ برای کشور بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بوده است (معادل تقریباً ۲ سال درآمد نفتی کشور). آنانی که با ادعای تقلب کشور را دچار این خسارت کردند باید در دادگاه ادله ارائه کنند و اگر نداشتند (که ندارند) اول باید این جبران کنند و سپس اعدام!»

اما کلیدوازه فتنه ۹۸ که مقام معظم رهبری در صحبت‌های اخیرشان از آن حرف زدند، دستمایه برخی دیگر از توییتهای این هشنگ شد و کاربران مطمئن بودند که صحبت‌های یکی از سران فتنه، مقدمه‌ای است برای سال دیگر.

تاریخچه‌ای کوتاه از کارخانه نیشکر هفت تپه، پرسروصداترین واحد تولیدی این روزهای ایران

۴ پرده از یک کارخانه پرماجرا



درآمد و پس از چند سال نمایندگی ایران در فرانسه به عنوان سفیر، مدیرعامل سازمان برنامه و بودجه شد. ابتهاج که امین محمدرضا شاه بود و بنابه‌گفته خودش هرروز با او دیدار داشت و به توصیه اشرف به ریاست سازمان برنامه و بودجه رسیده بود، در ۹ فروردین ۱۳۳۵، قراردادی با شرکت عمران و منابع، که شرکتی آمریکایی بود، برای ساختن سد دز و انجام طرح نیشکر به انجام رساند و برای تأمین اعتبار ساخت سد موافقت طرح نیشکر هفت‌تپه، درصدد خریداری زمینهای آن منطقه برآمد و با وجود آنکه شیخ خلف، که خود و قبیلهاش از بزرگ‌ترین کشاورزان نیشکر بودند، صاحب زمینهای آن منطقه، حاضر به فروش زمین هایش نبود، او با حمایت شاه و دادن وعده وعیدهای پرشمار به شیخ خلف و قبیلهاش، توانست زمینها را خریداری کند. ابوالحسن ابتهاج تأسیس کارخانه نیشکر هفت‌تپه، که در یکی از مناطق باستانی خوزستان بنا شده را به چشم ندیده چون در همان سال‌ها به اتهام فساد مالی به زندان افتاد و اذرمه ۱۳۴۰ و درحالی که همه دولت‌ها از امینی گرفته تا شریفامامی علم مخالفت با راه‌اندازی این کارخانه را برداشته بودند و از هیچ سنگ‌اندازی در نمی‌کردند، افتتاح شد.

درآمد و پس از چند سال نمایندگی ایران در فرانسه به عنوان سفیر، مدیرعامل سازمان برنامه و بودجه شد. ابتهاج که امین محمدرضا شاه بود و بنابه‌گفته خودش هرروز با او دیدار داشت و به توصیه اشرف به ریاست سازمان برنامه و بودجه رسیده بود، در ۹ فروردین ۱۳۳۵، قراردادی با شرکت عمران و منابع، که شرکتی آمریکایی بود، برای ساختن سد دز و انجام طرح نیشکر به انجام رساند و برای تأمین اعتبار ساخت سد موافقت طرح نیشکر هفت‌تپه، درصدد خریداری زمینهای آن منطقه برآمد و با وجود آنکه شیخ خلف، که خود و قبیلهاش از بزرگ‌ترین کشاورزان نیشکر بودند، صاحب زمینهای آن منطقه، حاضر به فروش زمین هایش نبود، او با حمایت شاه و دادن وعده وعیدهای پرشمار به شیخ خلف و قبیلهاش، توانست زمینها را خریداری کند. ابوالحسن ابتهاج تأسیس کارخانه نیشکر هفت‌تپه، که در یکی از مناطق باستانی خوزستان بنا شده را به چشم ندیده چون در همان سال‌ها به اتهام فساد مالی به زندان افتاد و اذرمه ۱۳۴۰ و درحالی که همه دولت‌ها از امینی گرفته تا شریفامامی علم مخالفت با راه‌اندازی این کارخانه را برداشته بودند و از هیچ سنگ‌اندازی در نمی‌کردند، افتتاح شد.

پرده سوم: خصوصی‌سازی

ماجرای خصوصی‌سازی کارخانه هفت‌تپه، مال دیروز و امروز نیست و تقریباً سابقه ۵۰ ساله دارد. دی‌ماه سال ۱۳۵۴ اساسنامه شرکت سهامی نیشکر هفت‌تپه وابسته به وزارت کشاورزی با سرمایه اولیه ۴ میلیارد ریال در مجلس تصویب شد. طبق قانون، دولت باید سرمایه شرکت را ارزیابی می‌کرد و تا ۹۹ درصد سهام آن را می‌فروخت که هیچ‌وقت به سرانجام نرسید. پس از انقلاب دوباره شرکت به‌طور کامل تحت کنترل دولت در آمد و اداره آن به وزارت صنعت سپرده شد. در دهه ۸۰ بارها

حامد کمالی: تقریباً یکی دو ماه پیش بود که کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه در خوزستان به صورت جدی دست به اعتصاب و اعتراض زدند. چندین ماه بود که حقوق نگرفته بودند و کارخانه خصوصی شده‌شان در مرز ورشکستگی قرارداشت و خودشان در مرز بیکاری. برای همین چاره را در این دیدند که اعتصاب کنند و صدایشان را به گوش مردم و مسئولان برسانند. این را هم باید بگوییم که خودشان همت کردند و گزک دست شبکه‌ها و کانال‌های اجنبی ندادند و نگذاشتند که آن‌ها روی این ماجرا مانور بدهند. این‌جا بود که اسم کارخانه نیشکر هفت‌تپه را خیلی‌ها برای نخستین بار شنیدند و افتادند دنبال ته و توی داستان این کارخانه و ماجراهای واگذاری‌اش که البته گذر زمان، پایان اعتصاب کارگران و پرداخت حقوقشان سبب شد که خیلی زود فراموش شود. اما چند روز پیش دوباره اسم این کارخانه سرزبان‌ها افتاد. نه به خاطر اعتصاب کارگانش، بلکه برای پرونده جدید مالکانش که می‌گویند ارز دولتی گرفته و در بازار آزاد فروخته‌اند.

پرده اول: نیشکرهای خشک شده

کشت نیشکر در ایران با خوزستان گره خورده است و مردم این خطه از ایران از هزاران سال پیش وقتی فهمیدند که آب هوا و خاکشان برای کشاورزی و کاشت این گیاه مناسب است، بی‌معطلی رفتند سراغش. اما ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست هم دادند نسل نیشکر دوباره به استان خوزستان بازگشت. اما در سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ خود خوزستانی‌ها کمر همت بستند تا دوباره محصول بومی‌شان را احیا کنند. قلمه‌هایی را در مناطق مساعد این استان کاشتند و بعد از قرن‌ها نیشکر دوباره به استان خوزستان بازگشت. اما در سال ۱۳۱۹ شرکت سابق نفت ایران و انگلیس ترویج و اشاعه کشت نیشکر را با منافع خود مغایر تشخیص داد. برای همین همه توانش را گذاشت تا از کشت آن جلوگیری کند که متأسفانه موفق هم شد. بر اثر اقدامات آن شرکت انگلیسی، پس از چند سال تمامی قلمه‌هایی که اهالی خوزستان کاشته بودند، بی‌هیچ دلیل قابل قبولی خشک شدند و کشت نیشکر دوباره در ایران به دست فراموشی سپرده شد.

پرده دوم: احیا

پای نیشکر در دهه های ۳۰ و ۴۰ دوباره به خوزستان باز شد، البته به صورت کاملاً جدی و علنی‌تر از قبل. چون با وجود ممنوعیت ظالمانه شرکت انگلیسی، برخی از اهالی خوزستان نیشکر می‌کاشتند و از آن شکر سیاه، دوشاب و چند محصول دیگر تهیه می‌کردند. نام احیای نیشکر با طرح عمران خوزستان و ابوالحسن ابتهاج، عموی هوشنگ ابتهاج گره خورده است. ابوالحسن ابتهاج در ۸ آذر ۱۳۲۸ شمسی در رشت متولد شد. او که به واسطه حمایت‌های پدرش در پاریس و بیروت تحصیل کرده بود و پس از سال‌ها تجربه بانکداری در بانک‌های شاهی، رهنی (بعدها مسکن) و ملی، به استخدام وزارت اقتصاد

مجاز آباد

عوامل بی‌اعتباری مسئولان



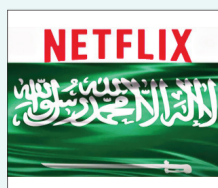
نماز جمعه این هفته تهران به امامت حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری در مصلاي امام خمینی(ره) اقامه شد و او در نخستین حضور خود از در ورودی نمازگزاران بدون محافظ و تشریفات وارد شبستان نماز جمعه تهران شد. علاوه بر این زنده‌های میان مسئولان و مردم هم از میان برداشته شده بود. این اقدامات واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی به دنبال داشت و کاربران از اقدامات جدید امام جمعه تهران قدردانی کردند. سیدعباس صالحی هم در این باره در توییترش نوشت: «خطیب جدید جمعه از کاهش زنده‌های حفاظتی در نماز جمعه تهران خبر داد. خبر خوبی بود. جامعه به همین خبرهای ساده هم امیدوار می‌شود. قرار نبود در جمهوری اسلامی طبقه جدیدی شکل بگیرد. دیروز شوخی-جدی به همراهان حفاظتی‌ام می‌گفتم ما مسئولان کشور را دو چیز کم اعتبار کرده: فرزندانمان و شماها!»

تن «آنتونی کوئین» را توی قبر نلرزانید!



پرویز پرستویی در واکنش به صحبت‌های کمال تبریزی که گفته بود «حامد بهداد آنتونی کوئین سینمای ایران است و همه باید منتظر باشند موتورش روشن شود»، با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «من اصلاً کاری به کار حامد بهداد ندارم، ایشون بازیگر بزرگیه و خودش شاید یادش نباشه که بنده به توصیه رامبد جوان در پشت بوم وزارت صنایع در سسر فیلمبرداری فیلم مومیای ۲۰ ایشون زنده یاد پوپک گلدره به همایون اسعدیان برای بازی در فیلم آخر بازی معرفی کردم، پس دشمنی با ایشون ندارم. من نمیگم حامد بهداد بازیگر بزرگی است یا کوچک اما خواهش میکنم با تمام احترامی که براتون قائل هستم به پاس تجربه خوبی که با شما در فیلم لیلی با من است و مارمولک و مهر مادری داشتم، به رابرت دنیرو توئین نکند و تن آنتونی کوئین رو توی نلرزوزنید. اگه می‌خواهیم برای فیلممون تبلیغ کنیم از هر کس و هر چیزیه به عنوان دستاویز استفاده نکنیم و سعی کنیم آدم هارو با خودشون مقایسه کنیم. شما فیلمساز ارزشی هستید از شما توقع داریم اسیر تبلیغات کاتب نشوید.»

«نت‌فلیکس» صدای سعودی‌ها را در آورد!



رسانه بین‌المللی «نت‌فلیکس» یک برنامه کم‌دی با اجرای «حسن منهج» کم‌دین مشهور آمریکایی را به دنبال اعتراض ریاض از صفحه خود حذف کرد! این برنامه با عنوان «اقدام مبین پرستانه» و محتوای کم‌دی هجومی‌ز دربار حاکمان عربستان سعودی با واکنش شدید مقامات این کشور مواجه شد. اما با وجود توقف پخش این برنامه، مردم عربستان همچنان امکان تماشای برنامه نامبرده را در کانال یوتیوب نت فلیکس دارند. در قسمتی از «اقدام مبین پرستانه» منهج به خاطر قتل جمال خاشقچی، ولیعهد عربستان را مورد انتقاد قرار دارد که این قسمت نیز از نت فلیکس حذف شد. مجری و کم‌دین مشهور همچنین در این برنامه بحث جنجال‌برانگیزی درباره جنایات عربستان در یمن به راه انداخت که اصلاً خوشایند سران این کشور نبود.

پیشنهادسفر

گذری بر کویر ورزنه در استان اصفهان سفر به سرزمین زنان سپیدپوش

ایران، سرزمین رنگ‌ها و زیبایی‌ها، در دل خود پهنه عظیمی از بیابان‌ها را دارد که در میان آن‌ها کویرهای بی‌مانندی مثل ورزنه جا خوش کرده‌اند. این کویرها آن قدر زیبایی دارند که هوش از سر هر انسان جستجوگری خواهند برد. شاید خیال کنیم این کویر زیبا در کنار اصفهان، این شاهکار هنر ایرانی، حرفی برای گفتن ندارد؛ اما کافی است که نیم نگاهی به رمل‌های طلایی رنگ آن که تیغ آفتاب برشته‌شان کرده بیندازید تا ببینید که ارزشش را دارد تا کمی آن‌طرف‌تر از اصفهان سسری به این کویر زیبا بزنیم.

♦ چرا سفر به کویر ورزنه؟

زیبایی کویر ورزنه در نوع خود بی‌نظیر است و لذت کویرنوردی و راه رفتن روی ماسه‌های داغ را به شما ارزانی می‌دارد. بزرگ‌ترین سایت تفریحی کویری ایران در کویر ورزنه قرار دارد. با سفر به ورزنه می‌توانید انواع تفریحات هیجانی مانند موتور سواری (چهارچرخ)، زیپ‌لاین، شترسواری و کویرنوردی با ماشین‌های آفرود را تجربه کنید. این کویر در کنار شهر زیبا و تاریخی ورزنه قرار دارد. بنابراین با سفر به کویر ورزنه می‌توانید از دیدنی‌های شهر و همچنین دیدنی‌های اطراف آن مثل تالاب گلوخونی نیز دیدن کنید. البته به این نکته توجه داشته باشید که تالاب در همه روزهای سال آب ندارد.

♦ بیابان خارا یا کویر ورزنه؟

کل این منطقه با عنوان بیابان خارا شناخته می‌شود، اما امروزه این مکان را دو بخش مجزا در نظر می‌گیرند؛ یک بخش کویر ورزنه و بخش دیگر بیابان خارا است. بخشی که بیابان خارا خوانده می‌شود، ۳۰ کیلومتر دورتر از کویر ورزنه و در نزدیکی روستای خارا واقع است.

ایسن بخش از بیابان امکاناتی آنچنانی ندارد و از رمل‌های آن خیلی استقبال نمی‌شود. محلی‌ها می‌گویند به دلیل اینکه بخش خارا در انتهای کویر قرار دارد، تپه‌های آن سست است و برای انجام تفریحات کویری مناسب نیست. همچنین خود کویر ورزنه با عنوانی مثل کویر ورزنه و کویر حسن آباد شناخته می‌شود. شاید بتوان دلایل استفاده از این نام‌ها را به این ترتیب تفکیک کرد که دسترسی به کویر ورزنه از جاده حسن آباد امکان‌پذیر است و به این علت به آن کویر حسن آباد هم گفته می‌شود. کویر ورزنه که نام خود را از شهر ورزنه گرفته است، رمل‌ها و تپه‌های شنی تماشایی و مناسبی دارد و بزرگ‌ترین سایت تفریحی کویری ایران به نام واحه در آن قرار گرفته است.

همچنین گفته می‌شود که اطلاق نام کویر به این منطقه با توجه به آنکه ریگزارها در زیر مجموعه مناطق بیابانی قرار می‌گیرند، اشتباه است و بیابان خارا واژه صحیح است.

یکی از ویژگی‌های بارز این منطقه پوشش غنی گیاهی و جانوری آن است. حیواناتی از جمله روباه شنی، با ماسواکی و سارگپه و گیاهانی مثل قفقو، اسکبیل و… در این بیابان زندگی می‌کنند.



♦ کویر و جاذبه‌های تاریخی؟

در سفر به کویر ورزنه می‌توانید از جاذبه‌های این روستای دیدنی هم بازدید کنید. چون روستا جاذبه‌های منحصربه‌فرد و جالبی برای دیدن دارد. یکی از جاذبه‌های جالبی که در این کویر گردی می‌توانید آن را ببینید، پل تاریخی ورزنه است که آخرین پل تاریخی کشیده شده بر روی زاینده‌رود است. درباره اینکه این پل دقیقاً در چه زمانی ساخته شده اختلاف نظر وجود دارد، عددهای آن را برای زمان سلجوقیان و عددهای هم برای دوره صفویه می‌دانند.

این پل که در لیست آثار ملی قرار دارد، از سنگ، آجر و ساروج ساخته شده و با ۶ متر ارتفاع، ۷۰ متر طول و ۷ متر عرض یکی از دیدنی‌ترین پل‌های تاریخی است. یکی دیگر از جاذبه‌هایی که در این کویر گردی آن را می‌بینید، قلعه قورتان است که قدمت آن به هزار و ۱۰۰ سال قبل برمی‌گردد. این قلعه با ۵ هکتار مساحت از خشت و گل ساخته شده و برج و باروهای شمالی و جنوبی‌اش ۲۵۰ متر طول دارند. از دیگر جاذبه‌های تاریخی این کویر، مسجد جامع تاریخی ورزنه، کبوترخانه، و… است.

♦ جایی برای اقامت وجود دارد؟

کویر ورزنه طبیعت دورافتاده‌ای نیست و در نزدیکی شهر قرار دارد. بنابراین دسترسی آن به امکانات رفاهی آسان است. نزدیک‌ترین اقامتگاه در مجتمع واحه قرار دارد، اما می‌توانید اقامتگاه‌های بوم گردی شهر را نیز امتحان کنید. سایت تفریحی واحه که در کویر ورزنه قرار دارد، می‌تواند تمام نیازهای شما را به عنوان مسافر مرتفع سازد.

♦ از دیدنی‌های اطراف ورزنه غافل نشوید

شاید لازم باشد برای کشف تمام زیبایی‌های کویر ورزنه روز زمان بگذاریم. غنی بودن پوشش گیاهی، تنوع پوشش جانوری، ترکیب زیبای آبی آسمان و خاک گرما دیده کویر همه و همه کافیتت تا انسان زیباخواه و زیبا اندیش را قانع کند، اما قرار گرفتن این کویر در نزدیکی شهر کوچک و تاریخی ورزنه ما را مجاب می‌کند تا سری به این شهر زیبا بزنیم و از آن بی‌خبر نشانییم.

شهر ورزنه در ۱۰ و نیم کیلومتری کویر ورزنه قرار دارد؛ شهری که به دلیل پوشش بانوانش به دیار فرشتگان شهره است. روزها و شب‌ها شهر پر می‌شود از فرشتگان سپید پوشی که به شهر نور می‌باشند. نام شهر به احتمال زیاد برگرفته از پیشه گذشتگان آن‌ها یعنی کشاورزان (ورزندگان) است. پوشش سفید زنان را نیز مربوط به محصولات مانند پنبه می‌دانند که در این منطقه کشت آن رایج بوده است. روایتی دیگری نیز بیان می‌دارد که شهر ورزنه در گذشته محلل زندگی روحانیون زرتشتی بوده که لباس سپید از جنس پنبه و به رنگ سفید به تن می‌کرده‌اند.

گفت‌وگو با «یونس موحد سریعی»، جوان تبریزی که کویر ارواح ایران را با پای پیاده پیموده است

عبور از میانه کویر جنیان



بشود. البته می‌دانم که اگر من کاری انجام می‌دهم، تنها نیستم و ۸۰ میلیون مردم کشورم با من هستند. چــرا که همه ما ایرانی هستیم. وقتی در کتاب رکوردهای گینس نوشته می‌شود که من رکورددار کویرنوردی در جهان هستم، اول نام کشورم نوشته می‌شود و بعد نام من، اما الان برنامه من برای ۱۰۰ میلیون مانده است. البته چون برنامه من یک برنامه مذهبی هم هست، با مدیران آستان قدس رضوی هم مکاتبه کرده‌ام.

♦ **بر آورد زمانی برای انجام این پروژه سنگین چند روز است؟**

برای انجام این برنامه، یک بخش تجهیزات مورد نیاز است و بخش دیگر برنامه، انجام تمرینات سنگین برای کسب آمادگی است، اما یک بخش هم به روحیه و وضع روحی آدم برود. این پروژه‌ای است که در دنیا کمتر کسی است که جسارت انجام آن را داشته باشد. من وقتی در کویر مشغول اجرای برنامه هستم، حتی اگر گیاهی به اندازه دو انگشت را ببینم، خوشحال می‌شوم و فکر می‌کنم تنها نیستم. من این گونه پیش‌بینی کرده‌ام که اگر وضعیت روحی من خوب باشد و باد مخالف هم به کویر نوزد، با توجه به برنامه‌های کویرنوردی که قبلاً اجرا کرده‌ام، بین ۲۴ تا ۲۶ روز زمان لازم است تا پیمایش انجام شود.



می‌دانستم که این اتفاقات ناشی از خستگی نیست. در محدوده دیگری صاهای عجیب و غریب می‌شنیدم. صداهایی که شبیه باد و وزوه نبود، صدای موسیقی و اصوات بود. در جایی دیگر بیسیسم‌های قاره‌ای من غیرقابل تحمل می‌شود. طرف باید جان سخت باشد تا بتواند این مسوارد را تحمل کند. البته من از کویر نمی‌ترسم، بلکه از خالق کویر می‌ترسم. ترس از خدا مهمتر و با معنی‌تر از این نوع ترس‌هاست. اگر خدا هوایم را نداشت، من چهاردهمین نفر می‌شدم که به کویر رفته و برنگشته است.

♦ **پس خیلی وحشتناک بوده است؟**

وقتی این موارد را در منطقه‌ای که آب و آدم و حیوان و گیاه نیست، تجربه می‌کنید، یک عامل دیگر هم اضافه می‌شود و آن اینکه از لحاظ روحی برایتان غیرقابل تحمل می‌شود. برای من سخت باشد که بیسیسم‌های فوق‌العاده نظامی هستند، ۲۰ کیلومتر نمی‌گرفتند .

تقریباً می‌شود گفت چیزی شبیه آن. بخش‌های دیگر کار هم شناخت و امکان‌سنجی مسیر اجرای برنامه است. یعنی قبل از پیمایش، ما پیش از یک ماه طراحی مسیر پیمایش را انجام می‌دهیم که در اجزای آن از گوگل مپ و گوگل ارث کمک می‌گیریم. یعنی شما باید یک نقشه حرفه‌ای از مسیر، کمبها و بیس کمپ داشته باشید. بخشی از کار هم خرید و به‌روزسانی تجهیزات است و نامه نگاری‌ها با ارگان‌های ذی‌صلاح برای اخذ مجوزهای لازم و خیردار کردن آن‌ها. همان طسور که یک کوهنورد می‌گوید بدن من برای رفتن به ارتفاع بالا سازگاری لازم را پیدا کرده است، من به عنوان کویرنورد باید این آمادگی را داشته باشم و شکر خدا بدن من در مثبت ۵۵ الی ۶۰ درجه آمادگی که یک ساعت قبل از همان نقطه عبور کرده و این باعث سردرگمی می‌شود. ما شنیدیم‌که به بلندترین تپه‌های شنی دنیا در ریگ یلان قرار دارند و به قول معروف اورست تپه‌های شنی جهان آن جاست، ولی من ایسن را دیدم‌ام که طولانی‌ترین تپه‌های شنی دنیا که گاهی طول آن‌ها از ۱۵۰ کیلومتر هم تجاوز می‌کند در ریگ جن است. ارتفاع آن‌ها به ۱۰۰، ۵۰ و حتی ۲۰۰ متر هم می‌رسد. این مشخصات و ساختار، چالشی را به وجود می‌آورد که اگر انسان بدون تدبیر و برنامه‌ریزی و تجهیزات و تمرین به آن وارد شود، برنخواهد گشت.

♦ **در مورد کویر جن غیر از سختی‌هایی که به آن اشاره کردید، حرف و حدیث‌های فراوانی وجود دارد. مثلاً می‌گویند کویر جن، جن دارد.**

ریگ جن، جن دارد. البته من چیزهایی در کویر جن دیده و صداهایی شنیدم‌ام که شاید اگر شخصی دیگری بود، می‌گفت کاش جن دیده بودم. چون قابل تحمل‌تر است. مثلاً گاهی وقتی می‌خواستم چیزی بپشتیم‌ام را از زمین بلند کنم و حرکت کنم، یقین می‌کردم که چند نفر روی کوله نشستند و کوله ۲۰ کیلویی من را چند برابر کرده‌اند. یا مثلاً در یک محدوده جغرافیایی هر چندر که پیمایش می‌کردم و می‌خواستم سریع‌م بالا بروم، اصلاً از دو نیم کیلومتر بر ساعت بیشتر نمی‌شد، حال آنکه سرعت من تا ۷ کیلومتر هم رسیده بود.

♦ **این اتفاقات بر اثر خستگی ناشی از پیمایش نبود؟**

نه من چهار و نیم روز در راه بودم. چرا این خستگی را ساعات‌های دیگری احساس نمی‌کردم؟ خودم

کویرنوردی دنیااست. بعد از آن هم برای پیمایش قطب جنوب و قطب شمال دست به کار خواهم شد. در این پروژه که به نام «حرم تا حرم» مشهور است، مسیر استان‌های قم، کاشان، سمنان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی را طی می‌کنم. در این پروژه غربی‌ترین نقطه کویر تا شرقی‌ترین نقطه آن را که به خط‌الرأس چاله کویر مرکزی ایران مشهور است، پیمایش می‌کنم.

♦ این برنامه الان در چه مرحله‌ای است؟

مقداری از تجهیزات لازم را خریداری کرده‌ام و مجوزهای امنیتی هم گرفته شده است و با سازمان هلال احمر هم هماهنگی لازم انجام شده. اما یک سالی است که به دنبال اسپانسر برنامه هستم. این تلاش برای خودم خسته کننده شده، ولی انگه با به دنبال ورزش و انجام کارهای خارق‌العاده رفتن و غرور ملی را به چاهبانان نشان دادن، برای کسی مهم نیست.

♦ بر آورد مالی برای برنامه چه قدر است؟

۲۳۰ میلیون هزینه نیاز است و تا امروز ۱۲۰ میلیون آن تأمین شده است. البته من برای انجام این برنامه بخشی از زندگی‌ام را فروختم‌ام و این برمی‌گردد به آخرین پروژه کویرنوردی من باشد و شامل مسیر هزار و ۴۰۰ کیلومتری یعنی طولانی‌ترین مسیر

اسرار آمیزی و ترسناکی این منطقه برمی‌گردد. ریگ جن باتلاق‌هایی دارد که می‌تواند هر موجود زنده‌ای را به کام مرگ بکشند. این ریگ تا حالا جان ۱۳ نفر را گرفته است. موحد سریعی البته با پای پیاده دو برنامه مهم دیگر هم در کویرهای ایران اجرا کرده است.

آنچه می‌خوانید

شده. این مسیر را تا آن زمان فرد دیگری پیمایش نکرده بود. برنامه دوم پیمایش زمستانی کویر بود که برای اولین بار انجام می‌شد و مسیری غیرمعمول. در آن مسیر من مسافت ۴۱۴ کیلومتری شامل عبور از عرض چاله کویر کوچک ایران، آران بیدگل، مرندجاب، چاه چرخ، دشت چاق آباد، و ریگ جن را پیمایش کردم.

این پروژه را هم در مدت هشت روز و ۱۸ ساعت انجام دادم و این رکورد اسمی دنیا شد. آخرین پروژه من تا امروز هم عبور از کویر ارواح یا مثلث برمودای ایران یا همان کویر جن است که در مدت چهار روز و دو و نیم ساعت انجام شد. من اولین کویرنوردی هستم که این مسیر را با پیمایش پیاده طی کردم. البته پیمایش کویر با دوی مارا تن با رشته ما فرق می‌کند. در دوی مارا تن ماشین پشتیبان، نهایتاً در یک کیلومتری یا ۹۰۰ متری، دونه‌دار پشتیبانی می‌کند، اما در کاری که من انجام دادم، پشتیبانی گاهی در ۱۰۰ کیلومتری من بود.

خیلی‌ها رفته‌اند، اما از ریگ خارج نشدند. حتی «سون هیدن» سوئدی و «گارفیلد آلفونز» اتریشی که هر دو کویرنورد هستند، از رفتن به «ریگ جن» اجتناب کردند و به یزد رفته و از یزد به مشهد آمده بودند. از سال ۹۵ و بعد از اجرای برنامه‌ام هم خیلی‌ها به من زنگ زده‌اند که دوست دارند ریگ جن را پیمایش کنند. خیلی‌ها تلاش هم کرده‌اند، ولی نتوانستند برنامه خودشان را عملی کنند.

♦ **گفتید که سردار تهرانی مقدم به شما توصیه کردند پیگیر برنامه کویرنوردی شوید. این کار چه دلیلی داشت؟**

کویرنوردی یک رشته نظامی و اطلاعات عملیاتی است. کسی که برای اجرای یک برنامه جدی وارد کویر می‌شود، باید کاملاً به جی‌پس، قطب‌نما و ارتباطات ماهواره‌ای و رادیویی وارد و حرفه‌ای باشد. چون اجرای برنامه کویرنوردی به این شکل یعنی بازی کردن با جان. وقتی فردی می‌گوید می‌توانم ۲۰۰ یا ۳۰۰ کیلومتر کویر را به تنهایی پیمایش کنم، یعنی این فرد باید به این ابرازهای که نام بردم و عوارض زمین، سرعت باد و خیلی از موارد دیگر آشنا باشد و این‌ها مواردی است که در زمان خاص به کار می‌آید. کشورهای دیگر هم پیگیر انجام برنامه‌هایی از این دست هستند. مثلاً تا به حال خواسته‌اند قطب جنوب را پیمایش کنند و تا جایی اطلاع دارم این تلاش‌ها چهار یا پنج بار با شکست روبرو شده است.

♦ **و چه چیزی بساری انجام برنامه‌هایی از این دست نیاز است که افراد زیادی موفق به انجام آن نمی‌شوند؟**

هم باید جسارت انجام کار باشد و هم دانش لازم را هم داشته باشد. من الان ۲۷ مبرک کوهنوردی دارم، دوره‌های زندمانی در دل کویر را گذرانده‌ام و موارد دیگری که باید به کمک آن‌ها خودم را از مرگ کویر نجات بدهم. البته می‌دانم که تا امروز هم خداوند بزرگ و الهه اظهار نگه دارم بودند.

♦ **من در جستجوهایم به نام‌های دیگری از جمله «علی پارسا» برخوردم که کویرنورد است و طول کویر جن را پیمایش کرده.**

علی پارسا هشتاد باری تلاش کرد تا کویر جن را پیمایش کند، آن هم زمانی که کسی از این کویر چیزی نمی‌دانست. البته ایشان هم موفق نشد. آخرین بار هم توانست مسیر را با ماشین پیمایش کند.

البته با ۸ یا ۹ ماشین بودند. این را هم بگویم که کویرهای ایران در رتبه اول خطر در بین کویرهای دنیا قرار دارند. این را از این جهت گفتم که شاید برای بعضی‌ها سوال باشد که من چرا در کویرهای دیگر پیمایش انجام نمی‌دهم. البته من برای کویرهای دیگر هم برنامه دارم، آن هم در صورت تأمین مالی آن‌ها. الان اگر من تأمین مالی باشم، وقت برای سرخارندن هم ندارم. کویرهای ایران تلفیقی از شن‌زار، نمک‌زار، خاک پفکی، ریگزار و تپه‌های شنی هستند که باعث می‌شود که خطر پیمایش در آن‌ها چند برابر شود.

♦ **گفتید که سردار تهرانی مقدم به شما توصیه کردند پیگیر برنامه کویرنوردی شوید. این کار چه دلیلی داشت؟**

کویرنوردی یک رشته نظامی و اطلاعات عملیاتی است. کسی که برای اجرای یک برنامه جدی وارد کویر می‌شود، باید کاملاً به جی‌پس، قطب‌نما و ارتباطات ماهواره‌ای و رادیویی وارد و حرفه‌ای باشد. چون اجرای برنامه کویرنوردی به این شکل یعنی بازی کردن با جان. وقتی فردی می‌گوید می‌توانم ۲۰۰ یا ۳۰۰ کیلومتر کویر را به تنهایی پیمایش کنم، یعنی این فرد باید به این ابرازهای که نام بردم و عوارض زمین، سرعت باد و خیلی از موارد دیگر آشنا باشد و این‌ها مواردی است که در زمان خاص به کار می‌آید. کشورهای دیگر هم پیگیر انجام برنامه‌هایی از این دست هستند. مثلاً تا به حال خواسته‌اند قطب جنوب را پیمایش کنند و تا جایی اطلاع دارم این تلاش‌ها چهار یا پنج بار با شکست روبرو شده است.

♦ **خب برویم سراغ پیروژه ریگ جن. من شنیده‌ام این کویر تا به حال جان افراد زیادی را گرفته است.**

بله، تا الان ۱۳ نفر در این کویر کشته شده‌اند. یعنی راستش شروع کار از آشنایی من با سردار شهید حسن تهرانی مقدم، پدر صنعت موشکی ایران شروع شد. من به توصیه ایشان پیگیر چند ورزش خاص شدم. فاز اول در این رشته‌ها کویرنوردی بود که شامل پیمایش کویرهای ایران و جهان می‌شود. به‌علاوه علاقه‌مند بودم در رشته‌های قطب نوردی، آتشفشان نوردی و هیمالیانوردی هم فعالیت کنم. البته نمی‌خواستم و نمی‌خواهم که در این رشته‌ها کار تکراری انجام بدهم. یعنی تلاش کرده‌ام که کار نو انجام بدهم؛ کارهایی که تا به حال در دنیا انجام نشده است. فاز اول کارهایم کویرنوردی بود که منجر به اجرای سه پروژه بسیار بزرگ شد. اول پیمایش ۴۵۰ کیلومتر در مدت پنج و نیم روز بود که مسیر پیمایش کویر از کاشان به آران بیدگل، چهارطاقی، کاروانسرای مرندجاب، پارک ملی کویر، کاروانسرای سفیدآب، کاروانسرای اعراب‌شید، پاسگاه سیاه کوه و حوزه خاص چهل گذار انجام

هنرنگار

سپیما و سپینما

شنبه ۱۵ دی ۱۳۹۷

۱۵ | ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۰ | ۵ ژانویه ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۸۷۱

خبر

فیلم‌های بخش «سودای سیمِرخ»

سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر مشخص شدند

سپیما و سپینما: جشنواره فیلم فجر به سی و هفتمین ایستگاه خود نزدیک می‌شود تا بهترین سینماگرهای خود را برای هنرنمایی چند روزه به یک رقابت جانانه دعوت کند.



در آستانه شروع، برخی از رسانه‌ها و فیلمسازان کار رسانه‌ای را زودتر آغاز کرده‌اند و همه منتظرند تا ببینند کدام فیلم‌ها، هنرمندان و فیلمسازانی پا به این دوره از رویداد مهم و ملی سینمای ایران می‌گذارند.

۱۴ دی در مؤسسه رسانه‌های تصویری دبیر جشنواره فیلم فجر به همراه هیئت شعبی مقابل رسانه‌ها قرار گرفتند، تا اسامی رهايفتگان به بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر را اعلام کنند. البته پیش از آثار بخش‌های فیلم کوتاه، مستند و «نگاه نو» مشخص و رسانه‌ای شده بود. اسامی فیلم‌های بخش مسابقه سینمای ایران به شرح زیر است: «اشفتگی» به کارگردانی فریدون جیرانی، «پده اصلی» به کارگردانی آریتا موگویی، بنفشه آفریقای به کارگردانی مونا زنده حقیقی ۲۳ نفر به کارگردانی مهدی جعفری، «پالتو شتری» به کارگردانی مهدی علی میرزایی، اثر جدید کومرت تیغ و ترمه – کومرت پوراحمد، جمشیدیه به کارگردانی یلدا جبلی، خون خدا به کارگردانی مرضی علی عباس میرزایی، درخونگاه به کارگردانی سیاوش اسعدی، سال دوم دانشکده من ساخته جدید رسول صدرعاملی، سرخوست به کارگردانی نیما جابودی، سمفونی نهم به کارگردانی محمدرضا هنرمند، شبی که ماه کامل شد تازه‌ترین اثر ترگس آپیار، طلا به کارگردانی پرویز شهبازی، تختی ساخته جدید بهرام توکلی، قسم به کارگردانی محسن نازنده، قصر شیرین به کارگردانی رضا میرکریمی، ماجرای نیمروز ۲ (رد خون) به کارگردانی محمدحسین مهدویان، متری شیش و نیم اثر سعید روستایی، مردی بدون سلبه به کارگردانی علی رضا رئیسیان، مسترخیز به کارگردانی همایون غنی‌زاده، ناگهان درخت به کارگردانی صفی یزدانیان.

گفتنی است سه اثر در این بخش به عنوان ذخیره اعلام شده‌اند. در صورتی که هر کدام از آثار اعلام شده به جشنواره نرسند، این فیلم‌ها جایگزین خواهند شد.

سه فیلم ذخیره عبارتند از «آنجا همان ساعت» ساخته سیروس لوند، «بی حسی موضعی» ساخته حسین مهکام، «مدیرانه» جدیدترین اثر مهدی حاجتمند.

جمشیدمشایخی:

امیدوارم سینمای ایران الگویی برای هنرمندان جهان باشد

سیما و سپینما: در ابتدای این نشست خبری جشنواره سی و هفتم فجر استاد جمشید مشایخی پیشکسوت سینما از پوستر سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی کرد.



جمشید مشایخی بعد از رونمایی از پوستر سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر گفت: امیدوارم سینمای ایران الگویی برای همه هنرمندان جهان باشد. باعث افتخارم هست که به عنوان کوچک‌ترین عضو سینما حضور در این مراسم را دارم. دست همه‌تان را می‌بوسم و اجازه می‌خواهم که این پوستر را رونمایی کنم.

او افزود: سال ۱۳۴۲ در فیلم خشت و آینه به کارگردانی و نویسندگی ابراهیم گلستان ۳۰ جلسه تمرین را پشت سر گذاشتیم. در این جلسات فیفمیدیم که بازی مقابل دوربین با بازی روی صحنه تاثر چند قدرت تفاوت دارد؛ اما بسیاری از تئاتری‌ها که از این فضا به سینما آمده‌اند هنوز این را نمی‌دانند. او در پایان ابراز امیدواری کرد سینمای ایران الگویی در دنیا برای همه هنرمندان جهان باشد. گفتنی است، سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر از دهم الی بیست و دوم به‌نهم‌ماه همزمان با گرامیداشت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی برگزار می‌شود.

جزئیات «فیلمساز» از زبان بهروز افخمی

مهر: بهروز افخمی درباره دو برنامه سینمایی که برای شبکه پنج در دست تولید دارد، گفت: یکی از آن‌ها در شبهای جشنواره ملی فیلم فجر روی آنتن خواهد رفت.



بهروز افخمی در گفت وگو با خبرنگار مهر درباره برنامه استعدادیابی خود در حوزه فیلمسازی اظهار داشت: این برنامه با نام «فیلمساز» به صورت آموزشی و درباره فیلمسازی است که چند فصل خواهد بود و فصل اول آن تا قبل از ماه رمضان سال ۹۸ روی آنتن شبکه پنج می‌رود.

وی ادامه داد: از آنجایی که این برنامه در چند فصل خواهد بود مشخص نیست در فصل اول به کدام یک از حوزه‌های فیلمسازی پرداخته خواهد شد. با این حال این برنامه برای جوانانی که قرار است فیلمسازی را یاد بگیرند ظرفیت خوبی دارد.

افخمی در واکنش به مقایسه میان این برنامه و دیگر برنامه‌های استعدادیابی در حوزه بازیگری عنوان کرد: من نمی‌دانم، با این حال فکر می‌کنم اگر در برنامه بخشی برای بازیگری و آموزش بازیگری داشته باشیم باز هم شبیه برنامه‌های دیگر نخواهد شد.

این کارگردان سینما درباره چنین برنامه های توضیح داد: کسانی که پول ندارند به کارگاه‌های فیلمسازی بروند، می‌توانند از این طریق آموزش ببینند ضمن اینکه خود من هم برای فیلمسازی به کلاس نرفتم و نکات خود را از طریق همین کلاس‌ها یاد گرفتم.

وی درباره برنامه‌ای که قرار است در شب‌های جشنواره ملی فیلم فجر پخش شود و اجرای آن را برعهده دارد، بیان کرد: این برنامه شبیه «هفت» است و به نقد می‌پردازد و در شب‌های جشنواره ملی فیلم فجر روی آنتن شبکه پنج سیما می‌رود.

افخمی در پایان با خنده درباره رویکردی که در این برنامه دارد، اظهار کرد: ما شیوه چندان نمی‌توانیم داشته باشیم، در «هفت» هم رویکرد خاصی نداشتیم و فقط وقتی می‌دیدیم تعداد فیلم‌های بد زیاد است عصبانی می‌شدیم.

گفت‌وگو با زهرا چخماقی خبرنگار و گزارشگر فرهنگی

رسانه باید مدعی العموم باشد

گفت‌وگو با زهرا چخماقی خبرنگار و گزارشگر فرهنگی

اسیما و سینما/صبا کریمی | با این که خبرنگاری در نگاه عموم مردم حرفه جذاب و پرچالشی به نظر می‌رسد و کمتر کسی است که نسبت به آن کنجکاو نباشد، اما با خود سختی‌های طاقت فرسا، مرارت و مسئولیت‌های بیشماری به همراه دارد و شاید جز کسانی که در این میدان حضور دارند، باقی از آن بی خبرند. در این میان نقش زنان در حوزه مطبوعات و خبررسانی همچون دیگر بخش‌های جامعه ستودنی است. برخلاف این که یک خبرنگار به فراخور شغل خود ناچار به حضور در محیط‌های پرخطر، تنش زا و سخت است، اما زنان همگام با مردان پای در این راه نهاده و حضور قابل توجه و تأثیرگذاری در عرصه خبررسانی و اعتلای آگاهی به مردم دارند. زهرا چخماقی از گزارشگران تلویزیون است و بیش از ۱۰ سال سابقه حضور در عرصه خبر را دارد. وی فرزند علیرضا چخماقی از اهالی رسانه و فریده فرخی نژاد از گویندگان خبر تلویزیون است و در خانواده‌ای اهل رسانه و خبر متولد شده و به همراه خواهرش قدم در مسیری نهادند که والدینشان آن را طی کرده بودند. زهرا چخماقی گزارشگر آیتمی با عنوان «داغ‌های مجازی» در بخش خبری ۲۰:۳۰ است که به ترندهای فضای مجازی می‌پردازد و گزارش‌هایش با بازخوردهای فراوانی روبه رو شده است. او به تازگی یکی از جوایز ویژه جشنواره عمار با عنوان «دستکش ننه عصمت» به خاطر سهم بسزایی که در اطلاع‌رسانی و حمایت از رویدادها و تولیدات فرهنگی و هنری جبهه فرهنگی انقلاب داشته، دریافت کرد. به همین بهانه با او به گفت وگو پرداختیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

عکس: فراتر از عاقل پر دیار - قدیم

حضور در محیط‌های مردانه اجتناب ناپذیر است و کسانی که می‌خواهد واردش شود باید همه این‌ها را بپذیرد.

◆ سه‌م زنان را در مدیریت رسانه‌ای کشور چطور ارزیابی می‌کنید؟

واقعیت این است که به نظر من میدان خاصی به زنان داده نشده و قطعاً اگر فرصت و امکان در اختیار آن‌ها قرار داده شود می‌توانند خودشان را نشان دهند.

یک نکته دیگر هم وجود دارد و آن این است که سعی می‌کنم از تجربیاتم برای آینده درس بگیرم و به شکلی ماجرا را مطرح کنم که جای خرده گیری و انتقاد از طرف هیچ گروهی نباشد و به بیانی دیگر به قدری حرف‌های به ماجرا نگاه کرده باشم که جای نقدی برای کسی باقی نگذارم؛ به طور مثال اگر می‌خواهم بگویم که جایی مشکلی پیش آمده آن‌را از زبان یک اهل فن بگویم و اگر بازیگری به دستمزدهای بالا انتقاد دارد من این‌را انتقال ندهم بلکه با آن بازیگر راجع به این موضوع گفت‌وگو کنم.

این شکل از گزارش جلوی این نگاه را می‌گیرد که ما به چیزی موضع داریم. البته معتقدم رسانه باید نسبت به برخی مسائل موضع داشته و باید مدعی العموم شود و سراغ پاسخ گرفتن و مطرح کردن یک دغدغه برود.

◆ حوزه خبر هم مانند بسیاری از حرفه‌ها، با مصائب و مشکلاتی همراه است بویژه برای بانوانی که علاقه‌مند به کار در این فضا هستند. به نظر شما خبرنگاران در حیطه کاری خود با چه مشکلاتی مواجه هستند و برای کسانی که می‌خواهند وارد این حوزه شوند چه پیشنهادی دارید؟

به نظر کسی که وارد این حوزه می‌شود جدا از این که باید خودش را برای کار در یک حیطه پرردسر، با سختی‌های فراوان و غیرمنتظره و در عین حال جذاب و پرچالش آماده کند، باید کمی هم روحیه مردانه داشته باشد و به زبانی دیگر قوی باشد. بویژه اگر خواهد به دنبال سوزه‌های چالشی برود.

بد نیست مثالی از خودم و خواهرم بزنم. خواهرم اهل سوزه‌های میدانی و تحقیقی است که بسیار هم خوب و لازم است و یکی مثل من به دنبال سوزه‌هایی می‌رود که جنجالی است و ممکن است باعث ناراحتی عده‌ای شود و فضای دوطرفی به وجود بیاورد.

کسانی که می‌خواهند به این عرصه وارد شوند باید بلدند که این دو نوع کار خبری با هم متفاوت هستند، اما سختی‌های یکسانی دارند. علاوه بر این باید بلدند که این شغل چالشی ثابتی ندارد و باید هر زمانی در سرما و گرما و سختی باشید.

برده است. ضمن این که گسترش اطلاع رسانی میان مخاطبان و افزایش تعداد رسانه‌ها باعث شده که به سرعت اخبار انتشار پیدا کند؛ از سویی دیگر ما خبرنگاران هم درگیر پرداختن به سوزه‌هایی می‌شویم که هر رسانه‌ای به فراخور نگاه و خط مشی که دارد باید به آن‌ها بپردازد؛ تا جایی که این قدر ما مشغول این گزارش‌ها می‌شویم که گاهی از پرداختن به سوزه‌های تحقیقی و میدانی باز می‌مانیم.

◆ شما سوزه‌هایتان را چطور پیدا می‌کنید؟

من معمولاً روزنامه‌ها و گفت‌وگوها را می‌خوانم، از رادیو و تلویزیون استفاده و شبکه‌های مختلف داخلی و خارجی را رصد می‌کنم. مجلات، نشریات و سایت‌ها را هم بررسی می‌کنم و به یک جمع‌بندی می‌رمس که به چه موضعی بپردازیم و در آن زمان چه موضعی در اولویت است و اهمیت بیشتری دارد. ضمن اینکه در گروه‌های دوستانه رسانه‌ای هم بحث‌ها و اظهارنظرها را می‌خوانم و با کارشناسان مختلف هم صحبت می‌کنم و در نهایت اهمیت موضوعات را مدنظر قرار می‌دهم و به نوعی از آن‌ها رهاکنمی می‌گیرم.

◆ یکی از معضلاتی که بخشی از جامعه خبری را درگیر کرده این است که بسیاری از خبرنگاران پشت میز نشین شدند و تولید محتوای بکر و دست اول اولویت بسیاری از خبرنگاران نیست و بازار گرمی ندارد. به نظر شما این رخوت از کجا می‌آید، آیا واقعاً سوزه نیست یا گاهی کم کاری از خود خبرنگاران است؟

۹۰ درصد آنچه که مردم از من می‌بینند بویژه در حوزه فرهنگ و هنر، سوزه‌های خودم است. من این سوزه‌ها را به مدیران می‌دهم که گاهی برخی از آن‌ها تأیید و برخی مواقع هم با آن‌ها مخالفت می‌شود.

◆ یکی از معضلاتی که بخشی از جامعه خبری را درگیر کرده این است که بسیاری از خبرنگاران پشت میز نشین شدند و تولید محتوای بکر و دست اول اولویت بسیاری از خبرنگاران نیست و بازار گرمی ندارد. به نظر شما این رخوت از کجا می‌آید، آیا واقعاً سوزه نیست یا گاهی کم کاری از خود خبرنگاران است؟

به نظر سختی‌ها ما را کمی از سوزه یابی بویژه سوزه‌های ناب و دستت اول دور کرده است و شاید مشکلات جانبی کار ما را به این سمت ابرژی متغی بسیاری وجود داشته باشد، زمانی

احساس می‌کردم خودم را در این شغل پیدا کردم و وقتی متناسب با علاقه‌ای که به این کار پیدا کرده بودم، متوجه شدم که باید تئوری‌ام را هم در این عرصه قوی کنم.

با این‌که مادر من در این‌ن کار نبود، اما دانسته‌های شفاهی من پاسخگوی نیازم نبود؛ به همین دلیل در دانشکده خبر این رشته را ادامه دادم و لیسانس‌م را گرفتم. به این کار آن‌قدر ادامه دادم که در واقع جزئی از زندگی من شده بود و زمانی که گزارش‌ها روی آنتن تلویزیون یا سایت می‌رفت احساس می‌کردم که توانستم در جهت ایدئولوژی که به آن پایبند بودم کاری انجام بدهم و توانستم مفید واقع شوم. این گونه بود که این کار برام بیش از پیش جذاب شد.

◆ چطور به تلویزیون راه پیدا کردید؟

سال‌های بعد گلچینی از بهترین‌ها را برای اجرای مجله خبری انتخاب کردند و من هم حضور داشتم و همزمان با گزارشگری در باشگاه خبرنگاران به عنوان مسئول سرویس فرهنگی به کار خود ادامه می‌دادم؛ تا این‌که در دوره ریاست آقای سرفراز از یک سری از نیروهای قدیمی باشگاه خبرنگاران را به واحد مرکزی سابق صدا و سیما منتقل کردند و من هم جزو آن‌ها بودم و از آن سال به بعد با توجه به آنتن مناسرتی که دستم آمده بود و احساس می‌کردم می‌توانم استفاده بهتری از آن داشته باشم این کار بیشتر رنگ و بوی جدی تری برای من گرفت.

◆ سوزه گزارش‌هایتان را خودتان پیدا می‌کنید یا به شما پیشنهاد و سفارش می‌شود؟

در گذشته آنچه که مردم از من می‌بینند بویژه در حوزه فرهنگ و هنر، سوزه‌های خودم است. من این سوزه‌ها را به مدیران می‌دهم که گاهی برخی از آن‌ها تأیید و برخی مواقع هم با آن‌ها مخالفت می‌شود.

یکی از معضلاتی که بخشی از جامعه خبری را درگیر کرده این است که بسیاری از خبرنگاران پشت میز نشین شدند و تولید محتوای بکر و دست اول اولویت بسیاری از خبرنگاران نیست و بازار گرمی ندارد. به نظر شما این رخوت از کجا می‌آید، آیا واقعاً سوزه نیست یا گاهی کم کاری از خود خبرنگاران است؟

به نظر سختی‌ها ما را کمی از سوزه یابی بویژه سوزه‌های ناب و دستت اول دور کرده است و شاید مشکلات جانبی کار ما را به این سمت

درباره یک جایزه

خانواده شهدا برابم دعا کنید

«دستکش ننه عصمت» چند سالی هست که تبدیل به یکی از نمادهای جشنواره مردمی فیلم عمار شده است یکی از جوایز جشنواره عمار است که به‌صورت سالانه به یکی از چهره‌های فرهنگی کشور اهدا می‌شود. «عصمت فلکیان»، مادر زدی که امروز به سختی قادر به راه رفتن است، مادر فداکار ایرانی است که این جایزه از تلاش چندساله او الهام گرفته شده است. «ننه عصمت» از زمان جنگ تحمیلی تا حدود ۱۰ سال پیش برای رزمندگان و مرزداران کشور دستکش کلموایی می‌پافته است. حتی اقوام نزدیکش تا بیست و چند سال از ماجرای بافتن دستکش برای رزمندگان مطلع نبودند. او در چند سال اخیر از زنان و دختران ایرانی خواسته بود تا همانند سال‌های دفاع مقدس و همزمان با فرا رسیدن فصل سرما، با بافتن دستکش، به یاری مدافعان حرم که برای دفاع از حریم اهل بیت(ع) و اسلام می‌جنگند، بشتابند. تاکنون چهره‌هایی نظیر مسعود دنمکی، محمدباقر مفیدی کیا، محسن اردستانی رستمی و مهدی نقویان موفق به دریافت این جایزه شده‌اند.یادگار سنتی جشنواره عمار امسال به زهرا چخماقی رسید. خبرنگاری که با سوزه‌های جنجالی‌اش در حوزه فرهنگ مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. رویکرد جسورانه، مهم‌ترین وجه تمایز گزارشات و تولیدات چخماقی است. او در کنار کار تهیه گزارش‌های خبری مستند، به کار گویندگی و اجرای خبر در بخش خبر مشغول است. چخماقی هنگام دریافت این جایزه گفت: خوشحالم از حضور در این جمع و نمی‌دانم کجا بهتر از جشنواره عمار می‌توانستم باشم. تلاش می‌کنم وظیفه‌ام را انجام دهم و می‌خواهم شما بخصوص خانواده شهدا برابم دعا کنید. وی با اشاره به گزارش‌ی که در گذشته درباره این جایزه گرفته بود، گفت: سه سال پیش من درباره ننه عصمت و جایزه دستکش‌های ایشان گزارشی تهیه کرده بودم و به عنوان یک خبرنگار خودم هم تحت تأثیر قرار گرفتم و حالا خوشحالم که بعد از سه سال این جایزه ارزشمند را در دستان خودم گرفته‌ام.

خاطره یک دیدار

ماجرای آن دیدار مقام معظم رهبری این بود که من یک روز برای تهیه گزارش رونمایی از کتاب فرنگیس که در دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری بود، رفته بودم که نزدیک دفتر دیدم خانم‌ها مژده لواسانی، راحله امینیان، ستاره قطبی، فاضلسادات حسینی و ندا ملکی هم آمده‌اند. ابتدا فکر کردم آن‌ها نیز مثل بقیه میهمان‌ها برای این دیدار دعوت شده‌اند، اما اواسط جلسه یک نفر از مسئولان برنامه پیام داد که بمانید چرا که بعد از مراسم قرار است به دیدار آقا برویم. من خیلی خوشحال شدم، اما باز هم فکر نمی‌کردم ما قرار است ایشان را از نزدیک زیارت کنیم.

رفتیم و نماز جماعت را همراه همه خانم‌ها که حدود ۵۰ نفری می‌شدند آنجا خواندیم و بعد از نماز دیدیم رهبری گروه به گروه با خانم‌ها گفت‌وگو می‌کنند. ما ۶ نفر (منظور خانم‌ها چخماقی، لواسانی، امینیان، قطبی، ملکی و حسینی است) هم در کنار هم ایستاده بودیم و منتظر بودیم به صورت مشترک با ایشان گفت‌وگو کنیم. ایشان را دیدیم که خیلی اتفاق خوبی بود و من جمع را به ایشان معرفی کردم.

ایشان شروع کردند و گفتند: «خب» از رسانه هستید، موفق باشید. من هر وقت شما را با این چادر در تلویزیون می‌بینم برای شما دعا می‌کنم. فقط این حجابتان را حفظ کنید. حواستان به این پوشش و حجابتان باشد، که من وقتی شما را با این حجابتان می‌بینم، کیف می‌کنم و دعای‌تان می‌کنم. ما ۴۰ سال است که با همه سختی ایستاده‌ایم و شما هم با همین پوشش و همین حجابی که دارید بایستید و خدا کمکتان خواهد کرد.»

بعد از آن هم از ایشان انگشتی به یادگار گرفتم، لحظه بسپار فوی‌العاده‌ای برای من بود. بعد از آن دیدار هم یک احساس تکلیف دوچندان به من دست داد که بخش مهمی از آن درونی و شخصی است.



کلیدها



روز نوشته‌های علی محمد مؤدب

فکرهای ما با تکرار اوهام دیگران

فکرهای آدم باید مال خودش باشند، یعنی اینکه آدم خودش باید سهمی در شکل‌گیری آن‌ها داشته باشد یا اینکه از اساس خودش به آن‌ها برسد و آن‌ها را به وجود بیاورد و یا دست‌کم آن‌ها را از صافی‌های وجود خودش عبور دهد و به آن‌ها مهر تأیید بزند و قبولشان کند. عالم بر پست از حرف و ما اگر خودمان در این دنیا قدرت انتخاب بین افکار را نداشته باشیم تبدیل به بلندگوی برای ایده‌ها و افکار دیگران خواهیم شد و بی‌کم و زیاد یا با کم و زیاد، همان ایده‌ها را ایده‌های خودمان می‌دانیم و تکرارشان می‌کنیم. این است که حتی در مهم‌ترین انتخاب‌های زندگی‌مان هم خودمان به تصمیم نمی‌رسیم، بلکه افکار و اوهام دیگران در وجود ما تکرار می‌شود و ما آن را صدای خودمان می‌دانیم. قسه سلبریتی‌ها در عصر ما همین است. سلبریتی‌ها بسیاری شان خودشان هم نمی‌دانند چه می‌گویند، فقط مثل دستگاه بخش‌کننده ایده‌هایی را گرفته‌اند و مدام تکرار می‌کنند و به خاطر ویژگی مجلس آرای و جذابیت هایشان می‌توانند آن حرف‌ها را منتقل کنند. در عالم واقع، بسیاری از مخاطبان حرف‌ها هیچ دآوری ندارند و به محض شنیدن صدایی از آن صدای خودشان می‌پندارند و تکرار می‌کنند. عیارت ژرف اتباع کل نافع در نهج‌البلغه به همین قسه اشاره دارد که کسی که توان تحلیل و تفکر ندارد مثل یک دره خالی به راحتی صدای هر فریادکننده‌ای را تبدیل به صدای خود می‌کند و تکرار می‌کند. از همین روست که سرمایه‌داری و زیست‌مدن با همه بی‌مبای‌اش، نیاز به استدلال ندارد و فقط از طریق حس و آثار موسیقی و تصویری به راحتی در حال گسترش سیطره خود است. اسکندر مقدونی بیچاره به خواب هم نمی‌دید که جهان گشایی این قدر ساده شود، یکی از صورت‌های افکار و اوهامی که به راحتی قبول خاطر ما را یافته‌اند و ما را رو به زوال و انقراض می‌برند، بحث جدال لذات مدرن با زندگی خانوادگی و فرزندآوری است. آمار می‌گویند که در مملکت شیعه نسل شیعه رو به زوال است، اما به خاطر اینکه اوهام مدرن در جان ما نشسته‌اند، از این خطر حتی باخبر هم نمی‌شویم. در این وضعیت فاجعه‌آمیز هر کاری که ما را به دریافت بومی از این موضوع برساند راجحند است. کتاب خوب «آغاز راه تو بودم» از شاعر گرامی سرکار خانم وحیده احمدی کتابی است در همین معنا که تولد آن بسیار مبارک است، وحیده احمدی در تمام این کتاب به تولد فرزندش پرداخته است و برای ادبیات ما ثروتی آفریده است. همه کسانی که می‌خواهند مادر شوند یا نمی‌خواهند مادر شوند، از خواندن این کتاب بهره خواهند برد. ای کلش از این آثار بیشتر و بیشتر ببینیم؛ آثاری که ما را از فهم روزمره فراتر می‌برند: اخبار نمی‌دانم، من قلب دو تا دارم!

تحلیل و تهدید

دوام می آوریم



ایستگاه / م. ظرافتی | مدیر کل صنایع خودرو وزارت صنعت: اگر وضع تحریم به همین شکل ادامه یابد شاید نتوانیم سال آینده خودرو تولید کنیم. مردم گرامی! بیابید برای اولین بار همه با هم از ته دل آرزو کنیم تحریم‌ها و اوضاع خراب اقتصادی ادامه پیدا کند بلکه خودروسازها نتوانند خودرو بسازند! باور کنید این اولین و آخرین فرصتی است که می‌توانیم خودمان را از دست خودروسازها نجات دهیم پس قدرش را ببنداید! البته وزیر امور خارجه کشورمان از مداخله قبل این را پیش‌بینی کرده بود، منتها کو گوش شنوا؟! آن روزی که آقای ظریف گفت: «دوام می‌آوریم»، خیلی‌ها فکر کردند منظور آقای ظریف این است که قشر ضعیف در این اوضاع اقتصادی زنده خواهند ماند! اما کیست که نداند چنین چیزی غیر ممکن است؟! اما امروز که با همت مسئولان و دوام شما مردم عزیز، موفق شدید تحریم‌ها را تبدیل به فرصت کرده و شر خودروسازها را از سرمان کم کنیم! تازه متوجه شدم منظور آقای ظریف از «دوام می‌آوریم» چه بوده است!

گزارش از شخص

حجاب، انتخاب من است

«ایلهان عمر» نماینده مسلمان کنگره آمریکا را بیشتر بشناسید

اولین عضو سومایلیایی-آمریکایی کنگره نیز خواهد بود... او جانشین کیت الیسن، اولین عضو مسلمان مجلس نمایندگان آمریکا می‌شود. کیت الیسن در سال ۲۰۰۶ به کنگره راه یافته بود. هرچند ما ابتدای مطلب گفتیم اهل ذوق زده شدن نیستیم؛ «یورونیوز» اما انگار در پایان این خبر بدجوری دچار ذوق زدگی شده و نوشته بود: «علاوه بر ایلهان عمر و رشیده طالب بسیاری از اعضای اقلیت‌های نژادی و جنسیتی در انتخابات میان دوره‌ای آمریکا نیز به موفقیت دست یافتند. از آن جمله می‌توان به انتخاب اولین فرماندار همجنسگرا در تاریخ آمریکا اشاره کرد!»

نمایندگ دیگر

عنوان نخستین زن محجبه» فقط مختص «ایلهان عمر» خواهد بود چون خانم دیگر مسلمان یعنی «رشیده طالب» کمی تا قسمتی با دیگر هم‌تای آمریکایی‌اش متفاوت است. «رشیده طالب» مسلمان هست اما نه آفریقایی و رنگین پوست به حساب می‌آید و نه اهل حجاب و پوشش مخصوص مسلمانان است. او اگرچه پدر و مادرش فلسطینی هستند، اما خودش در شهر «دیترویت» آمریکا و در جامعه کارگران و پناهندگان فلسطینی این منطقه به دنیا آمده است. البته «رشیده» را می‌توان نخستین زن آمریکایی فلسطینی دانست که به مجلس آمریکا می‌رود. خانم نماینده که ۴۲ سال دارد،

نمایندگ مهاجر

سیاستمدار ۳۷ ساله و مسلمان آمریکایی، در اصل سومایلیایی و زاده شهر «موگانیشو» است اما زادگاه سیاسی و سیاستمدار شدنش را می‌توان «امینه سوتای آمریکا دانست». «ایلهان» آخرین فرزند «نور العمران محمد» معلم سومایلیایی بود که مادرش را در ۲ سالگی از دست داد. سال ۱۹۹۱ او به کمک پدربرزش که کارمند حمل و نقل دریایی بود به کنیا فرار کردند و ۴ سال را در اردوگاه پناهندگان گذراندند. در سال ۱۹۹۵ و با تصویب قانون پناهندگان در آمریکا تقاضای پناهندگی‌شان پذیرفته شد تا ابتدا در ویرجینیا و سپس مینیاپولیس ساکن شوند. «ایلهان» در همین شهر، انگلیسی آموخت و توانست کمک پدرو باشد که ابتدا ارائه نام‌اش بود و بعد هم توانست بود در اداره پست کاری برای خودش دست و پا کند. «ایلهان» وقتی به ۱۷ سالگی رسید، به عنوان شهروند آمریکا پذیرفته شد و زندگی‌اش وارد مرحله جدیدی شد. از دوران دبیرستان از جمله فعالان سیاسی به شمار می‌رفت و در تشکل‌های طرفدار دموکراسی فعالیت داشت. او در سال ۲۰۱۱ موفق شد تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی و مطالعات بین الملل به پایان برساند.

اولین یا چندمین؟

تقریباً ۲ ماه پیش بود که خبرگزاری‌های غربی برای نخستین بار خبر ورود ۲ خانم مسلمان به مجلس آمریکا را منتشر کردند. «یورونیوز» در این باره نوشت: «ایلهان عمر و رشیده طالب، دو نامزد مسلمان حزب دموکرات موفق شدند از ایالت‌های مینه‌سوتا و میسیگان به مجلس نمایندگان آمریکا راه یابند. آن‌ها اولین زنان مسلمانی هستند که در تاریخ ایالات متحده به عضویت در کنگره این کشور انتخاب شده‌اند. ایلهان عمر علاوه بر اینکه یکی از زن‌های مسلمانان است که برای اولین بار به کنگره ایالات متحده راه یافته‌اند،

او مدتی خیلی سفت و سخت دنبال این بود که دانشگاه «امینه سوتا» را وارد کند تا کمک مالی از صهیونیست‌ها و لابی اقتصادی آن‌ها در آمریکا دریافت نکند. صهیونیست‌ها در آمریکا او را یک مسلمان ضد یهودی می‌دانند و همین در حالی است که خودش می‌گوید: «انتقادهای من متوجه دولتمردان اسرائیل است و ربطی به یس نفرت از یهودی‌ها ندارد».

کنگره مثل جمهوری اسلامی شده!

آمریکایی‌ها با همه ژست دموکراتیکی که در قبال ورود مسلمانان به کنگره گرفته‌اند، با نمادهای اسلامی که توسط این نمایندگان مسلمان به کار گرفته می‌شوند انگار مشکل دارند. مثلاً «ای دلیوی جکسون» نماینده محافظه کار کنگره آمریکا حدود یک ماه پیش و در واکنش به حجاب اسلامی «ایلهان» گفته بود: «کنگره این روزها شبیه جمهوری اسلامی شده... ما یک کشور مسیحی - یهودی هستیم... ما کشور و ملتی هستیم که ریشه در مسیحیت داریم... هر کس این را دوست ندارد یا قبول ندارد، می‌تواند از آمریکا برود... ماجرا خیلی ساده است... فقط برو جای دیگری زندگی کن و سعی نکن کشور ما را تبدیل کنی به یک جور جمهوری اسلامی یا بخوای قوانین شریعت را در کشور ما اجرا کنی...» خانم نماینده در پاسخ سیاستمدار آمریکایی فقط گفته بود: «این‌جوری کنگره بیشتر شبیه آمریکا شده و تو هم چاره‌ای نداری مگر اینکه با این ماجرا کنار بگیری...» البته کاربران فضای مجازی در حمایت از «ایلهان» وارد عمل شدند و حسابی به «دلیوی جکسون» تاخته و او را به اسلام هراسی متهم کرده بودند: «نمی‌دانم اگر یک بانوی اراهه محجبه هم وارد کنگره می‌شد، این‌ها این قدر عصبانی می‌شدند... معلوم می‌شود این‌ها زمانی شعراهایشان را قبول دارند که به نفع خودشان باشند... پیروزی ایلهان پیروزی پول‌الیسم و چند صدایی و آزادی مذهبی بود...»

اسرائیل جهان را هیبوتیزم کرده

نگاهی به سال‌های پیش و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی «ایلهان عمر» نشان می‌دهد، پیش‌بینی‌های برخی از طرفداران حزب‌اش تا امروز به حقیقت پیوسته است. «ایلهان» که چند سالی بود در ایالت و منطقه خودش به «استاره» حال ظهور» در عالم سیاست معروف شده بود، به دلیل اینکه خودش هم مانند بسیاری از شهروندان آمریکایی «مهاجر» به حساب می‌آید از جمله سیاستمدارانی است که شدت از قوانین حمایتی از مهاجران طرفداری می‌کند. او در زمینه راه‌سازی کمپین‌های مختلف نیز فعال بوده و همچنین پیگیری‌های قانونی زیادی برای انجام حمایت‌های مالی از دانشجویانی که خانواده‌های کم درآمد دارند، کرده است. او از منتقدان اسرائیل و سیاست هایش هم هست و همیشه از آن با عنوان « رژیم آپارتاید اسرائیل» یاد می‌کند. «ایلهان» معتقد است اسرائیل انگار جهان را هیبوتیزم کرده تا توجه‌ها را از کارهای شیطانی مانند بمباران غیرنظامیان منحرف کند.

قرآن پدریزگ

ماجرای سوگند خوردن نمایندگان مسلمان در کنگره هم بازتاب وسیعی در خبرگزاری‌ها داشت. ۱۲ سال پیش زمانی که کیت الیسن نخستین نماینده مسلمان کنگره، از قرآن برای سوگند استفاده کرد، منتقدان زیادی به او در کنگره حمله کردند و اصرار داشتند که تنها انجیل برای این کار مناسب است. با این وجود «رشیده طالب» اعلام کرد برای ادای سوگند، قرآن ترجمه (George Sale) را که در سال ۱۷۳۴ به انگلیسی انجام شده و در کتابخانه کنگره هست، همراه خودش به مراسم می‌برد. خبرگزاری‌ها نوشتند: این قرآن در واقع متعلق به «توماس جفرسون» سومین رئیس جمهور آمریکا بوده که در کتابخانه نگهداری می‌شود. «ایلهان عمر» نیز گویا دیروز با سوگند به قرآنی که متعلق به پدریزگش بوده است، کارش را به صورت رسمی آغاز کرد. خبرگزاری آنا‌تولسی در این باره نوشت: «عضو مجلس نمایندگان آمریکا با انتشار تصویری از مراسم سوگند خود اعلام کرد که در کودکی مترجم پدریزگم در نشست‌های حزبی بود و او اولین شخصی بود که باعث علاقه‌من به سیاست شد؛ کاش اینجا بود تا این لحظه تاریخی را می‌دیدم... اما من بر قرآن اوه حس کردم روحش اینجا بود...»

روزمره نگاری

هنوز پلک‌هایم را باز نکرده‌ام که صدای بعدی هم به سرعت منتشر می‌شود. قیزقیز چسب فشارسنج مچی. با می‌شوم و به روز شلوغ اول صبح است اما از بکری و سکوت خبری نیست... خواهری دارد با پرده‌های نشیمن را می‌کشم... یک نان بیات می‌گذارم در آب برای اهل گشنه مرغانی و می‌روم سراغ چایساز: دیروز حسای دمغ و فکری شده‌ام. درست حال و احوالم را نمی‌فهمم. از همین دیروز که پدر «گلی جان» می‌قدمه از گوش‌ها گفت. دختر بچه چهارساله رفیقش را گذاشت روی سرم با این جمله که سمع‌ها هم نتوانستند به داد شنوایی‌اش برسند. از گیس گلاب‌تونی که توی نوبت عمل کاشت حلزونی است. انگار از دیروز تازه فهمیدم که گوش دارم... دوزایام

با به روز تازه می‌گذارم با چشماتی که بیدار شده‌اند، اما به عمد آن‌ها را استعام تا کمی کورسفت کلمب دنیا صداها باشم. اول صبح است اما از بکری و سکوت خبری نیست... خواهری دارد با تلفن بیج بیج می‌کند... سرویس مدرسه همسایه، دو بار دست می‌گذارد روی بوق... کارگران آپارتمان نیمه‌ساز باز تخلیه می‌کنند با داد و هوار... خروس خانه پدرو، قوقولی لاکچریش‌اش را پختن کوچک می‌کند... چایساز خبر می‌دهد یکی بیاید خاموشم کند... طوطی «فریده» قند می‌خواهد... عزیز می‌گوید پرده‌ها را بکشید باران ببینیم... «بان» جیغ ذوق می‌کشد... و از حیاط پشتی صدای ساز می‌آید، صدای ویولنی که نت‌هایش در شُرشر باران ریابند.

وقتی پای سمک در میان است

ایستگاه ارقیه توسلی

افقی

- لقب شیخ زین‌الدین بن نورالدین شیخ علی بن احمد عاملی جمعی، از بزرگان فقه‌های شیعه- مایه آرامش قلب
- خبرگزاری قرآنی ایران- خودروی حمل بار- خط‌کش هندسی
- طالب محکم- الفبای موسیقی- شیره چغندرقدن- نفی از آمدن ۴. از جزایر وطنی خلیج همیشه فارس- آشدان حمام- تالار ۵. پوستین- خادم آتشکده- شادمانی ۶. عشاق و نشیدا- خاطر- فلوی مغناطیسی ۷. پدر- از تقسیمات کشوری شامل چند بخش که تحت نظر فرماندار اداره می‌شود- حیوان باوقا ۸. واحد مسافت دریایی- پاک- درگیری- فانوس
- رود آرام- دست آموز- سبزی پراختی خورشتی غنی از ویتامین C - عدد دایره ۵. دومین- بلند- طولی به پهنای یک اجر ۶. سز باد- تیره- سلطان جنگل- طبقه ۷. دهان پرند- رهبر جنبش شیعی امل لبنان که از سال ۱۹۹۲ رئیس پارلمان این کشور شد- صفحه الکترونیکی ۸. اسب چاپار- درخت اعدم- خوب- خورشید



منظر نرندرا، دیدگاه‌ها و انتقادهایان در خصوص جدول هستیم یا تماشا بگرد

